

(۲)  
نگاهی به گذشته

مجددالعلی  
مستشار بازنشسته دیوانعالی کشور

همانطور که درس ۵۶ بیعد شماره ۱۱۱/۱۱۰ این مجله گفته شد، تاریخ حقوق ایران در دوره اسلامی را می توان به اعتباری به دو عصر **انفا یا اجتهاد** و **ترجمه یا تقلید** منقسم دانست.

در عصر اجتهاد (از سال ۲۱ هجری قمری تا پایان سلسله زندیه) قوانین معمول در امور حقوقی همان قواعد شرعیه اسلامی بوده و احکامی که فقهای مذهب حقه جعفری صادر می فرموده اند، بوسیله حکام عرف اجرا می شده است؛ در قلمرو جزایی، اختیار در دست پادشاه بوده و حکام شرع دخالتی چندان نداشته اند.

از مطالعه سابقه چنین برمی آید که جرایمی که در حدود سده هفتم هجری قمری اغلب رخ می داده، به دو دسته **معاصی** گبیره (منکرات، فحشا، شرب خمر و کشیدن جرس) و **ملاعب** (قمار، کبوتر پرانی، کرکدوانی، به جنگ انداختن گاوها و قوچها، تحریم حیوانات درنده بر یکدیگر) بوده است. این قبیل

اعمال بموجب حکم پادشاهی منع و حکام ولایات و وزرای ایالات مامور توبه دادن مرتکبین می شده اند تا پس از احراز علم فاعل بر حکم شرعی سلطانی اگر توبه را شکست ، بر نهج شرع شریف اسلام حدود و جزاها درباره اش جاری گردد . پس از چندی انتشار حکم مورد توجه قرار گرفته ضمن الحکم مقرر می گردید که متن حکم بعد از آنکه روی منابر برای مردم خوانده شد ، بر سنگ نقر و در مسجد جامع هر ایالت و ولایت نصب گردد .

\* \*  
\*

از بررسی شواهد و مدارک مستند و موجود تاریخی به آسانی می توان بر چگونگی وقایع و مقررات کیفری ، رفتار بزهکارانه و طرز مقابله با آن دست یافت و در تعریف و طبقه بندی جرایم و مجازاتها ضوابط مطمئن و یقینی را پیدا کرد ؛ چنانکه در شماره مزبور دو مثال راجع به جلوگیری مناهی و جرایم در سلطنت شاه طهماسب و شاه سلطان حسین بمعرض مطالعه خوانندگان گرامی درآمد . اینک دو شاهد دیگر یکی از سده هفتم و دیگری از سده سیزدهم هجری قمری :

۳

محتسب شهر (علی الظاهر مصر) محمد بن اخوه متولد سال ۶۴۸ و متوفای ۷۲۹ هجری قمری در کتاب معروف خود « معالم القربة فی احکام الحبة » باب آخر ( هفتم ) چنین می گوید : « فی الانکار علی نطاح الکباش و نغار الديوک و صياح السمان و امثالها » ... از آنجا که ترجمه فارسی کتاب مذکور به عنوان « آیین شهرداری در قرن هفتم » به ترجمانی آقای جعفر شعار دانشمند معاصر ضمن انتشارات بنیاد فرهنگ ایران نشر شده ، عین عبارت فارسی موضوع از صفحه ۲۳۵ کتاب مرقوم نقل می شود :

« منع از آغالیدن قوچها بر یکدیگر و جنگانیدن خروسها و به آواز در آوردن بلدرچین و مانند آنها .  
بسیاری از مردم می دانند که آغالیدن قوچ و خروس و مانند آنها بر یکدیگر نارواست ، این جانداران از جمله جانداران ستیزه جو هستند .

گوشتشان حلال است ، اما کشتن آنها حلال نیست . مانند قوچ سرو  
 زن و خروس جنگی و بلدرچین آوازخوان و جز آن .  
 و بیشتر مردم چنین حیواناتی را نگاه می‌دارند و آنها را بر  
 دشمنی و ستیزه پرورش می‌کنند و چه بسا این کار سبب ایجاد فتنه و  
 نزاع و تشویش و یارگی جامعه‌ها می‌شود و ارانل را بر می‌انگیزد تا آنجا  
 که دسته‌ها تشکیل می‌دهند و سرانجام بکارهای زشت و ناروای دیگر  
 که حرام است ، دست می‌یازند .

از این رو بر تو ای محاسب لازم است که در این باره حکم  
 کنی و در موارد شبهه آلود از دانش خود یاری جویی . فان السکوت  
 عن البدعة رضاء نیکانها و ترک النہی عنها کالامر باتیانها .

#### ۴

در سال ۱۲۳۰ هجری قمری ملا محمد زنجانی که از علمای رسمیه  
 دارالخلافه بود ، بجهت قبول عامه به تخریب معابد و اماکن عیسویان و شکستن  
 خمهای شراب ایشان پرداخت ! ثواب حسنعلی میرزا حکمران طهران او را از  
 این شهر اخراج کردند (۱) . محمد مهدی مازندرانی متخلص به شخنه (۲) از  
 امرا و شعرای این دولت درین باب گفته است :

زاهد بشکست از سر خامی خم می ؛  
 اسباب نشاط میکساران شد طی .  
 گر بهر خدا شکست ، ای وای بما ؛  
 ور بهر ویا شکست ، پس وای به وی .

(۱) منتظم ناصری جلد سوم ص ۱۱۰ ، در وقایع سال ۱۲۳۰ قمری زمان  
 سلطنت فتحعلی شاه .

(۲) شخنه در سال ۱۲۴۷ قمری رحلت کرده است ، ص ۱۵۲ جلد سوم  
 منتظم ناصری .

## عصر ترجمه یا تقلید

این عصر نیز دو بخش دارد :

دوره تمایل به تقلید ،

دوره تقلید محض .

**دوره تمایل به تقلید .** این دوره از سال ۱۲۶۴ هجری قمری ، سال اول سلطنت ناصرالدین شاه قاجار و صدارت میرزا اتقی خان امیر کبیر شروع و به اواخر پادشاهی مظفرالدین شاه در ۱۳۲۴ هجری قمری ختم می شود .

در این دوره سعی می شده که ترتیب رسیدگی و صدور احکام موافق اقدامات قضایی کشورهای اروپا باشد . چنانکه در سال ۱۲۶۸ هجری قمری ، یعنی سال چهارم سلطنت ناصرالدین شاه این فرمان بحکم ایالات و ولایات ابلاغ گردیده است :

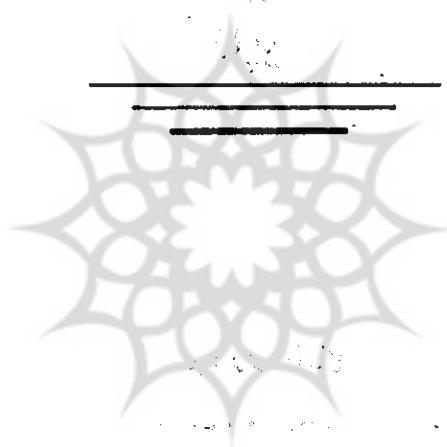
« چون اغلب اوقات بین جدیدالاسلام آرامنه و یهود و کبرها در باب اموال متوفی گفتگو می شود ، باید حکام طرفین را بدارالخلافت تهران بفرستند که در دیوانخانه بزرگ پادشاهی بحقیقت رسیدگی و موافق عدالت رفتار نمایند که جدیدالاسلام باین لباس جدیدالاسلامی جعلی نامعلوم نتواند مال آن متوفی را بعنف ببرد و احدی از حکام شرع و عرف ولایات مداخله ننمایند » (۱) . در این دوره برای اول بار است که نام دیوانخانه بزرگ پادشاهی بمیان آمده و از این جریان دانسته می شود که حکام ایالات و ولایات هر کدام برای رسیدگی امور عرفی دارای دیوانخانه بوده ، فقها و حکام شرع هم موضوعات شرعیه را فیصله می داده اند . و میرزا محمد حسین ، صدر دیوانخانه ، چون کارهای قضایی را بجای شاه انجام می داده ، به لقب عضدالملک ملقب گردید .

---

(۱) نقل از س ۱ شماره ۴۳ ، سوم صفر ۱۲۶۸ هجری قمری ، روزنامه

« وقایع اتفاقیه » .

پس از آن در سال ۱۲۹۰ هجری قمری ، یعنی سال ۲۶ سلطنت ناصرالدین  
شاه ، مقرر شد که « برای هر يك از ولايات ممالك محروسه عدالتخانه موضوع  
و برقرار شود و رئیس آن از طرف وزارت عدلیه دارالخلافة معین گردد . »  
پایان



شیراز، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی